

شاه چراغ ثمره ی اعتماد به استعداد های بومی و محلی



اکبر خنجر سیم قائم مقام شرکت صنایع روشنایی شاه چراغ پارسیان در گفتگو با گروه مدیران طلایی اظهار داشت: شرکت شاه چراغ با مدیریت مهندس شهباز خنجرسیم در صنایع روشنایی کشور به عنوان کامل ترین مجموعه تولیدی صنایع روشنایی کشور گام های بسیار مهمی در تامین نیاز مصرف کنندگان استان برداشته و امروز شاهدیم که محصولات تولیدی این مجموعه در شهرها و استان های مختلف کشور با استقبال مردم، دست اندر کاران حوزه ساخت و ساز و بسیاری از شرکت ها، ادارات، دواير دولتی و شرکت های بخش خصوصی روبرو شده است. کیفیت، تنوع، قیمت مناسب و گارانتی و خدمات پس از فروش از جمله شاخصه هایی هستند که شرکت شاه چراغ را متمایز ساخته است.

شناسنامه:

من اکبر خنجر، متولد شهریور ماه ۱۳۶۲ در امان آباد هستم. تحصیلات ابتدایی خود را در روستای امان آباد گذراندم ولی چون روستا مدرسه راهنمایی نداشت مجبور بودیم برای ادامه تحصیل به مدارس روستاهای همجوار برویم، تعدادی از بچه ها برای درس خواندن در مدرسه روزانه به ملک آباد که آن زمان هنوز شهر نشده بود، رفتند. در همان روزها و سالها مدرسه ای در شهرستان طرqbه توسط جناب آقای مرحوم میرزای ناظم افتتاح شد که از مناطق محروم اطراف دانش آموزان خاصی را می پذیرفت. یک گروه دانش آموزان تیم بودند و گروهی را هم بر اساس شرط معدل ثبت نام می کردند. من برای مدرسه به روستای سوران و باغ شخصی آقای میرزای ناظم نقل مکان کردم، ایشان در باغ شخصی خود یک مدرسه شبانه روزی ساخته بودند و من سه سال راهنمایی را در این مدرسه تحصیل کردم. خداوند آقای میرزای ناظم را رحمت کند که جنب مدرسه شبانه روزی در مانگاه شبانه روزی هم تاسیس کرده بود که در آنجا دارو به طور رایگان توزیع می شد. تاسیس این مدرسه و در مانگاه شبانه روزی در سال ۱۳۷۴ رویداد بزرگی برای آن منطقه به حساب می آمد. مردم از مناطق محروم برای تحصیل و درمان به آنجا می آمدند و از امکانات بهره مند می شدند. من سه سال راهنمایی را در آنجا گذراندم و مدرک سیکل گرفتم و برای تحصیل در دوران دبیرستان به بخش رضویه و دبیرستان مرحوم شهید ترابی رفتم و این مقطع را گذراندم و چون در آنجا رشته ریاضی نبود، در رشته علوم تجربی درس خواندم و دیپلم خود را گرفتم و برای مقطع پیش دانشگاهی به شهرک رضویه رفتم ولی متأسفانه به دلیل مشکلات شدید اقتصادی و روحی امکان ادامه تحصیل در دانشگاه را نداشتم و ترک تحصیل کردم. بعد از آن در شهرک صنعتی در کارخانه بستنی سازی مشغول به کار شدم. به دلیل اینکه فعالیت کارخانه بستنی فصلی و فقط در فصول گرم سال بود، در فصول سرد بیکار بودم و چند ماهی نیز در بخش تولیدی ظروف پلاستیکی مخصوص لبنیات در شیفت شب کار کردم. تا اینکه به خدمت مقدس سربازی رفتم.

و اما نحوه ورود به شاه چراغ:

در سال ۱۳۸۶ برادر بزرگوارم جناب آقای مهندس شهباز خنجرسیم مجموعه شاه چراغ را در روستای امان آباد در یک سالن مرغداری افتتاح و مشغول به کار بودند، تا سال ۱۳۸۹ نیروی مهم این شرکت آقای سلطانی بودند و از این مجموعه جدا شدند. در آن زمان مجموعه شاه چراغ بیش از ۳۰ نیرو داشت و به دلیل نبودن آقای سلطانی و مشغله های زیاد مهندس خنجرسیم در خارج از شرکت، این مجموعه دچار خلأ مدیریتی شده بود. در این زمان من به درخواست آقای خنجرسیم، کارمعدن را رها کردم و از سال ۱۳۸۹ به مجموعه شاه چراغ

ما دهه شصتی ها و ما روستایی ها چون نسبت به بقیه افراد، آدم های کم توقع تر و صبورتری هستیم، همیشه از یک آرامش نسبی برخورداریم، در مبحث فعالیت در این مجموعه با توجه به این که شرکت شاه چراغ چندین مدیریت دیگر هم دارد و وظایف بین اعضا تقسیم شده است قطعاً از بار مسئولیت من کاسته شده و من به یک پشت میز نشین واقعی تبدیل شده ام و بیشتر پست نظارتی دارم.

آیا امروز مجموعه شاه چراغ در نقطه ای هست که سالهای پیش، انتظارش را داشتید؟

بله صد در صد، خدا را شکر

تصمیم گیری به موقع و ریسک پذیری بسیار خوب ایشان باعث شده که این مجموعه بتواند در مسیر بسیار سخت اقتصادی کشورمان، بسیار خوب عمل کند.

شما چه احساسی از این که، این همه فرصت شغلی، برای مردم روستای امان آباد و البته روستاهای اطراف ایجاد شده دارید؟

با این توضیح که وقتی جلسه ای با رئیس شورای اسلامی روستای امان آباد داشتیم ایشان اظهار داشتند که اگر مجموعه شاه چراغ نبود، جوان های این روستا همه بیکار می بودند. در واقع این مجموعه شاه چراغ است که چراغ روستا

ارتباط مستقیمی با عزیزانی دارم که زمانی با هم همبازی، هم روستایی و هم کیش بودیم. من همیشه گفته ام، من دوتا شخصیت دارم که دوست دارم شما از پرسنل شرکت بپرسید، اکبر خنجرسیم داخل شرکت کارفرما و مسئول یکسری امورات ولی اکبر خارج از شرکت، به قول مردم روستا که بچه هایی که از پدر یتیم هستند را به نام مادر و به نام مادر بچه بزرگ صدامی کنند، من خارج از شرکت همان اکبر نه حسن هستم و در بیرون از مجموعه زندگی خود را دارم و هیچ صحبتی از مجموعه نمی کنم. مثلاً بیرون مجموعه که اهالی روستا از مجموعه و کار در آنجا صحبت می کنند می گویم

تفکیکی بین محیط کار و خانواده ایجاد کند و حد و مرزها تعریف شود تا افراد با توجه به توان و استعداد در مجموعه بتوانند کار کنند و مشکلی پیش نیاید. یکی از آیت های آقای خنجرسیم و بنده این بوده است که مرزی را بین مسائل کاری و خانوادگی ایجاد کرده ایم، به طوری که تداخلی بین روابط کاری و روابط خانوادگی نباشد. بنده هم که اینجا کار می کنم حسم به آقای مهندس خنجرسیم این است که ایشان مدیر هستند ولی در خارج از مجموعه اینطور نیست و به جرات می توانم بگویم تقریباً هفته ای دوشب یا ایشان منزل من است یا من منزل ایشان هستم.

آیا در تصمیمات مهم و کلان مجموعه با هم مشورت دارید؟

بله مشورت همیشه در دستور کار ما بوده و هست، البته اختلاف نظرهایی هم وجود دارد و اگر نباشد جای سوال است. تلاش می کنیم با مشورت و خرد جمعی به یک جمع بندی در مورد مسائل کاری و مجموعه برسیم تا ان شاء الله بهترین تصمیم اتخاذ نماییم.

از همسر و فرزندان بگوئید:

من سال ۱۳۸۶ همزمان با افتتاح مجموعه شاه چراغ، ازدواج کردم و همسر بنده خانم سمیه حیدری، جزو اولین نیروهایی بودند که در این مجموعه مشغول فعالیت شدند. من دو فرزند پسر دارم، امیرحسین متولد ۱۳۸۸ است. ما معمولاً اولین فرزند ذکور را به نام پدرمان حسین نامگذاری می کنیم و اگر دقت کرده باشید نام حسین در خانواده خنجرسیم زیاد است. فرزند دیگرم آزاد، متولد ۱۴۰۰ است.

آیا در مشهد سکونت دارید؟

بله محل زندگی من مشهد است ولی در روستای امان آباد هم منزلی در جوار منزل مادر و در ملک پدری دارم که به طور معمول آخر هفته ها به آنجا می روم.

سخن پایانی:

به اعتقاد من بزرگترین سرمایه شاه چراغ پرسنل و نیروهای دلسوز و متعهد مجموعه هستند، لذا جادارداز یکایک پرسنل و نیروهای مجموعه به عنوان بزرگ ترین و ارزشمندترین سرمایه های شرکت شاه چراغ، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.



اینجا جای این حرفها نیست و اگر صحبتی هم هست باشد وقتی رفتیم داخل مجموعه مطرح کنید.

توصیه شما به جوانان چیست؟

باید توکل، تعهد و پشتکار داشته باشند. از نظر من، برای موفقیت در انجام هر فعالیتی ۸۰ درصد تلاش و پشتکار و ۲۰ درصد استعداد و تخصص، سهیم می باشد. من همیشه می گویم اگر انسانی متعهد بود، می توان از او متخصص ساخت. اگر متعهد نباشد در حالی که متخصص ترین فرد هم باشد من قبولش ندارم و به نظرم به موفقیت نخواهد رسید. اگر بپرسند دلیل موفقیت مجموعه شاه چراغ چیست؟ من می گویم پشتکار و ممارست و خستگی ناپذیری آقای خنجرسیم.

مدیریت خانوادگی چه تبعات و ثمرات مثبتی تا کنون داشته است؟

مجموعه هایی که به صورت خانوادگی مدیریت می شوند. باید مدیر ارشد مجموعه هم مدیر باشد و هم مدبر باشد و بتواند یک

را روشن نگه داشته است. یکی از مسرت بخش ترین و بهترین هدایای شاه چراغ به من، به عنوان یکی از مدیران، شرکا و مالکین مجموعه شاه چراغ همین بوده که ما در بخش احمدآباد توانسته ایم، آنقدر موفق عمل کنیم که نیروهای بسیاری را جذب کرده ایم و موفق شده ایم حدود ۵۰۰ فرصت شغلی ایجاد کنیم تا در تمام این روستاها، جوان ها، تکیه گاه و محل امنی برای کار کردن داشته باشند. به فرموده یکی از عزیزان: «الان به هر کس بگویی بنشین کنار، می گوید می روم شاه چراغ». یک کار آفرین می تواند باعث شود یک جوان، با عزت و شرافت زندگی کند و دستش در جیب خودش باشد.

آیا اکنون که در این موقعیت ممتاز

هستید و برخی آرزوها محقق شده اند، ارتباط شما با روستا و مردمش همچنان برقرار است؟

تلاش می کنیم که این ارتباط برقرار باشد. این موضوع را شاید بهتر است از مردم پرسید چون معمولاً من اینجا

حتی به فراتر از آرمان ها و انتظارات رسیده ایم. شاه چراغ در سال ۸۵ تا ۹۶ به یک رشد و جهش خیره کننده و بلوغی از تولید رسید که خود را ملزم می دانست کالایش را در بازار خودش عرضه کند و از روزی که دفاتر فروش را افتتاح کرد یک پله به مصرف کننده نزدیکتر شدیم و شاهد رشد محسوسی بودیم در حالیکه قبل از آن یک پله پایین تر بودیم و بین ما و مصرف کننده بنکداران و واسطه هایی بودند که کار بر ما سخت می شد و همیشه مشکل نقدینگی داشتیم. نقدینگی را می گرفتند و در بازارهایی که خودشان دوست داشتند خرج می کردند و به ما چک مدت دار می دادند، بارها اتفاق افتاده بود که به ما چک یکساله می دادند.

مدیریت شرکت شاه چراغ در ایجاد این شرایط چه نقش و تاثیری داشته اند؟

قطعاً مدیریت آقای مهندس خنجرسیم، یک مدیریت کاملاً علمی و هوشمندانه با نگاه نوآندیشانه،